

زمان بازی این گروه تمام شد

هرکس ذره ای ایمان به خداوند و علاقه به مردم و این آب و خاک داشته باشد، می فهمد که دیگر زمان این بازیها تمام شده و جامعه لبریز از کمبودها و مشکلات کوچک و بزرگی است که طی سالها انبار شده و توش و توان را از کشور گرفته است. وقت کار و تدبیر است. باید زخمها را مرهم نهاد و به فکر چاره های بزرگ بود.

به گزارش سایت خبری پرسون، سید مسعود رضوی در یادداشتی نوشت: دولت مسعود پزشکیان هنوز مستقر نشده و سکان کشتی دولت در اختیار یاران رئیس جمهور فقید به مدیریت جناب آقای مخابر است. وزرای کابینه و معاونان رئیس جمهور منتخب ملت ایران هنوز مشخص نیست و به مجلس معرفی نشده اند. این امور توسط شورایی از متخصصان و نخبگان و افراد مجرب در دست بررسی است.

کارگروه هر حوزه و هر وزارت، با تشکیل جلسات پیاپی و دریافت و ارائه پیشنهادهای، رایزنی کرده اند تا بهترین گزینه ها برای دولت جدید به دکتر پزشکیان ارائه شود. با این حال یکباره توپخانه گروه اقلیت و محافل خاص و مدعی، شروع به حمله و ایراد اتهامات کرده است و نه تنها انصاف را زیر پا نهاده اند، که از خط قرمز نجابت هم گذشته و ناصواب و ناسزا می گویند.

طی سنوات و دهه های پس از انقلاب اسلامی، به صورت طبیعی رقابت و جناح بندی سیاسی در ایران شکل گرفت و جریانهای موسوم به راست و چپ و میانه و بعدا اصولگرا و اصلاح طلب و اعتدالی و افراطی پیدا شد. دو سویه افراطیون، از اپوزیسیون برانداز و معاند تا متعصبان تنگ نظر و تمامیت خواه، عناصر مجرب و خدمتگزار را تحت فشارهای سنگین قرار داده و رشد و توسعه ایران در داخل را محدود کرده و نفوذ و تعامل ایران در خارج را هدف تیرهای زهرآگین قرار دادند.

خوشبختانه بزرگان نظام از رهبر انقلاب تا صلاح اندیشان و دلسوزان تدبیر کردند و مردم نیز بقدر وسع کوشیدند و جمهوریت را دوباره جان و روحی بخشیدند تا وحدت «دولت - ملت» میسر شود و ارزشهای موجود و آرمانها و وعدههای معهود دوباره به صحنه سیاست و جامعه بازگردد.

اگر چنین نمی شد، همان اقلیت خالصه و متعصب، فاتحه نظام و ایران را می خواندند، چنانکه با تضعیف اسلامیت نظام، طی سالیان دراز، بسیاری از ارزشهای دینی را نزد جوانان و بانوان دچار فروپاشی نموده و در سال ۱۴۰۱ هزینه های جبران ناپذیر برای نظام و زخمهای سخت برای بخشی از جامعه رقم زدند.

انتقادهای ناجوانمردانه کسانی که بزرگترین فسادهای مالی و اخلاقی را رقم زدند و کشور را تا ورشکستگی پیش بردند، حالا رنگ دین و مذهب به خود گرفته و دوباره صحن معتبر عبادت مردمان را در نماز جمعه آماج شعارهای زشت و ناسزا به همکاران و رجال دولت منتخب کرده است.

کسانی که همواره احادیث ضعیف و روایتهای شاذ و غریبه را به خورد مستمعان می دادند و بارها موجب وهن و طعن دشمنان شدند، حالا به خواندن نهج البلاغه ایراد می گیرند و از تهمت به بزرگان دیندار و خدمتگزار ابایی ندارند.

با استفاده از صحنه ها و تریبونهای غصب شده از مردم اجتماع می کنند، در لابلای متدینین در نماز جمعه و در رسانه هایشان، همکاران دولت برگزیده اکثریت را می کوبند.

اطرافیان و یاران صدر دولت را هدف اتهامات واهی قرار داده اند. برای ایجاد تقابل میان رئیس جمهور و رهبر معظم انقلاب، پزشکیان را گورباچف می نامند و بسیار کارهای دیگر. خدا رحمت کند استاد حکیم فردوسی را که فرمود:

زیان کسان از پی سود خویش
بجویند و دین اندر آرند پیش

برنامه صریحی دارند که با ایجاد هراس و شکاف در صف همکاران رئیس جمهور و جدا کردن نزدیکترین یاران وی، او را تنها و وانهاده کنند و اهداف و برنامه هایش را ناکام بگذارند. شکست پزشکیان و افول ستاره این دولت، به رغم لطمه های جبران ناپذیر برای کل نظام و روحانیت و رهبری عظیم الشان، هدف قطعی این گروه ویژه خوار، تمامیت طلب، ناکارآمد و سیری ناپذیر است. اینان باید پاسخ دهند چرا اهدافشان با شبکه های معاند به ویژه اینترنتشال و گروهک رجوی همسان از آب درآمده است!؟

بجز حمله به جواد ظریف که مثل خار در چشم افراطیون داخلی و اپوزیسیون و شبکه های خارجی است، یکی از ایرادهای این گروه، اشاره به عدم تجانس برخی اعضای گروههای مشاوره برای تعیین وزراست.

جالب است که کسانی این اتهامات و ایرادها را وارد می کنند که همواره پشت درهای بسته انتصابات را با انتصابات همگام و یکسان کرده بودند.

منطقی است که حالا دارند به نخستین تجربه واقعی رایزنی و شایسته‌گزینی حمله می‌کنند تا مبدا این کار به سنت سیاسی و مدیریتی بدل شود و دیگر نتوانند باجناقها و دامادها و آقازاده‌ها و منسوبان و مریدان را در دهها شرکت و معاونت و منصب بگمارند و چای دیش میل کنند.

از زبان تندى که اتخاذ کرده ام پوزش می‌خواهم، اما هرکس ذره‌ای ایمان به خداوند و علاقه به مردم و این آب و خاک داشته باشد، می‌فهمد که دیگر زمان این بازیها تمام شده و جامعه لبریز از کمبودها و مشکلات کوچک و بزرگی است که طی سالها انبار شده و توش و توان را از کشور گرفته است. وقت کار و تدبیر است. باید زخمها را مرهم نهاد و به فکر چاره‌های بزرگ بود.

سازماندهی کارناوالهای عجیب و غریب برای ایجاد حساسیت در مراجع دینی و متدینین، در کنار حساسیت زدایی از اهانت به متخصصین و همکاران رئیس جمهور، سرآغاز پروژه‌ای است که بارها مانع وحدت دولتهای منتخب با دیگر اضلاع قدرت در مملکت شده است.

از همه خطرناکتر، درگیر ساختن بخشی بسیار مهم و حساس از نظام است که نظامیان و نیروهای امنیتی را به جای تمرکز بر رژیم صهیونیستی و توطئه‌گران خارجی و ایادی آنها، رودر روی رئیس جمهور و دولت برگزیده اکثریت قرار می‌دهد. درواقع هم مردم را از نظام جدا می‌کنند و هم بازوهای قدرتمند نظام را درگیر بحرانهای ساختگی ادواری می‌نمایند و در نهایت خود را افراد دارای غیرت و تعصب دینی نشان داده و ناجیان وفادار و حافظ نظام می‌خوانند. چندبار این پروژه را اجرا کرده اند تا وقتی که طشت رسوایی شان از بام سیاست و اقتصاد و فرهنگ افتاد؛ با خالص‌سازی و یکدست‌سازی، صنعتشان آشکار شد و مصنوعاتشان به فساد و ناکارآمدی آغشته شد و زیانهای مهلک به کل کشور و نظام جمهوری اسلامی زدند.

باری، مردم شریف ایران در ماههای اخیر، پس از تأثر و اندوه بسیار، تدبیر و اهتمام کردند و در یک مرحله با آمدن (و حتی قبل از آن با نیامدن به پای صندوق رأی)، نگرانی خود را بیان کردند. اینک دولت اکثریت باید کارهای سخت و طاقت فرسا انجام دهد؛ از ساماندهی اقتصاد و معیشت تا ایجاد توازن در فرهنگ و جامعه، و سرانجام بدر بردن کشتی دیپلماسی در جهانی که در حال عبور از مرحله‌ای تاریخی و گذاری سخت و شگفت‌انگیز است.

هر یک از این امور، یک دنیا زحمت و مرارت و دقت و تخصص می‌طلبد، ممکن است فرصت چنان از دست برود که دیگر نتوان هزینه توسعه و افزایش قدرت ملی را فراهم کرد. شکست دولت، شکست نظام است، شکست ملت ایران است، شکست غرور و آرمانهای چند نسل است...